

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الارضين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الاولين والآخرين
«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»
دعوت پیامبران سلف و دعوت قرآن و دعوت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را عرض کردم. روشهایی را که در احادیث از انبیاء سلف ذکر شده و آنچه در قرآن مجید آمده و آنچه که از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در فریقین داریم، عرض کردم. نوبت می رسد به دعوت امیرالمومنین و صدیقه طاهره علیهما السلام و بعد دعوت صحابه‌ی رسول الله و بعد دعوت ائمه اطهار علیهم السلام و بعد دعوت اصحاب ائمه و بعد دعوت بزرگان مذهب تا برسیم به دعوت مرحوم علامه میر حامد حسین صاحب عبقات الانوار. این سیر تاریخی منطقی را ان شاء الله همچنان پیش خواهیم رفت تا به منهج مرحوم سید صاحب عبقات برسیم.

تمام آنچه را که عرض کردم و عرض می کنم و تمام آنچه را که نوشته ام و گفته ام و تمام آنچه را که در این باب، اگر بنده چیزی بلد باشم، همه‌ی این ها به برکت کتاب عبقات الانوار است و همه‌ی این ها به برکت شاگردی در مکتب میرحامد حسین نیشابوری لکنهوی است، این سید بزرگواری که حق بسیار بزرگی بر گردن همه‌ی ماها دارد و بنده غیر از مسئله فقه و اصول و غیر ذلک، به شاگردی در مکتب ایشان افتخار می کنم و معتقدم که اگر کسی در مکتب ایشان به آن طوری که لازم باشد، شاگردی کند، در هر جایی که قرار بگیرد از جمله‌ی مصادیق آیه‌ی مبارکه‌ی مذکور خواهد بود. ما این موسسه را از روز اول بر این مبنا تاسیس کردیم که منهج این سید بزرگوار بیان شود و در نتیجه شاگردانی در مکتب ایشان باشیم.

مطالبی را که عرض می کنم، متعلق است به آنچه که در صدر اسلام واقع شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در روز بیست و هشتم صفر از این عالم تشریف بردند. فقدان پیامبر اکرم برای این امت بلکه برای همه‌ی أمم اعظم المصائب است. دو سه روایت بخوانم که این روایات در کتاب وسائل الشیعه است. از امام صادق علیه الصلاة والسلام، که حضرت به شخصی فرمودند: «وَإِذَا أُصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَادْكُرْ مُصَابِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّ الْخَلْقَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ قَطُّ»^۲ «اگر مصیبتی بر تو وارد شد، مصیبت شهادت رسول الله را یاد کن، چرا که مصیبتی در خلق و خلائق به قدر مصیبت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله واقع نشده است. همین معنا از خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده است که فرمودند: «مَنْ أُصِيبَ مِنْكُمْ بِمُصِيبَةٍ فَلْيَذْكُرْ مُصَابَهُ بِي فَإِنَّهُ لَنْ يُصَابَ بِمُصِيبَةٍ أَعْظَمَ مِنْهَا»^۳ این، مسئله‌ی فقدان رسول الله صلی الله علیه وآله و رحلت و یا شهادت و جدایی آن حضرت از این امت است. دلیل هم واضح است که چرا مصیبت فقدان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله اعظم المصائب است. بنده فقط به چند نکته اشاره می کنم:

نکته اول: با رفتن پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وحی قطع شد. انقطاع وحی مصیبت است. وقتی مصیبت انقطاع وحی را می فهمیم که خود وحی و وجود و استمرار وحی را بفهمیم.

نکته دوم: با رفتن پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله دشمنان در اسلام و مسلمین طمع کردند.

نکته سوم: با رفتن ایشان اختلاف امت و تفرق بین مسلمین شروع شد.

۱. نحل / ۱۱۲۵

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۲۶۷، حدیث اول

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص: ۲۶۷، حدیث سوم

نکته چهارم: رفتن ایشان باب مصائب اهل بیت علیهم السلام را باز کرد و از روزی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند، مصیبت های اهل بیت علیهم الصلاه و السلام شروع شد.

اولین حادثه ای که پس از رفتن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم اتفاق افتاد، حادثه ی غضب فدک است. در رابطه با اهل بیت علیهم السلام مصائب و مسائل آنها از اینجا شروع شد. جریان فدک اولین واقعه ای است که بعد از شهادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بر اهل بیت واقع شد. بعد از قضیه فدک و آنچه که مربوط به جریان فدک است، فشار بر امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل بیت و اصحابشان شروع شد تا برای بیعت حضور پیدا کنند و منجر به هجوم بر خانه ی آن حضرت شد.

فدک ملکی بوده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در ایام حیات خودشان به عنوان هدیه و نحله، فدک را به صدیقه ی طاهره دادند. فدک در زمان حیات خود پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم ملک صدیقه ی طاهره سلام الله علیها بوده است. این ملک را خودشان با دست خودشان به صدیقه ی طاهره دادند و تملیک به آن حضرت کردند. این ملک در اختیار امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است و حضرت تشریف می بردند و در آنجا کار می کردند. از روایات معلوم می شود اولین ظمی که بر اهل بیت شد تصاحب و غضب فدک بوده است و معلوم می شود که فدک مدتی بعد از شهادت رسول الله در اختیار اهل بیت بوده است.

بزرگان ما روایت می کنند که نامه ای از حاکم اهواز در آن زمان برای امام صادق علیه السلام آمد که حضرت جواب مفصلی به نامه ی والی اهواز نوشتند. در جواب ایشان مطالبی در مذمت دنیا آمده است و به این مناسبت امام صادق علیه السلام این روایت را از پدرانشان در نامه شان نوشته اند که امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از ایام بعد از شهادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در زمین فدک بودند، دنیا بر آن حضرت به صورت یک زن زیبا ظاهر شد و به حضرت گفت:

«... يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ هَلْ لَكَ أَنْ تَتَزَوَّجَ بِي فَأُغْنِيكَ عَنْ هَذِهِ الْمِسْحَاةِ وَأَدُلَّكَ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ^۴... فَقَالَ لَهَا مَنْ أَنْتِ حَتَّى أُخْطَبِكَ مِنْ أَهْلِكَ فَقَالَتْ أَنَا الدُّنْيَا قَالَ قُلْتُ لَهَا فَارْجِعِي وَأَطْلِبِي زَوْجًا غَيْرِي^۵...». آن وقت حضرت از آن زن اعراض کردند و شروع به بیل زدن در زمین کردند و ابیاتی را انشاء کردند که نه بیت در این روایت است. محل شاهد این بیت است که:

وَمَا أَنَا وَالدُّنْيَا فَإِنَّ مُحَمَّدًا أَحَلَّ صَرِيحًا بَيْنَ تِلْكَ الْجَنَادِلِ^۶

این روایت کاملاً گویا است که اولاً فدک در ملک اهل بیت بوده است و ثانیاً بعد از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در ملکشان بوده است و امیرالمؤمنین علیه السلام روی این زمین بیل می زدند، پس بین شهادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و غضب فدک ایامی فاصله شده است.

آنچه که مربوط می شود به بحث ما که عبارت بود از روشهای دعوت به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام این است که صدیقه طاهره بعد از غضب فدک چه کردند؟

فدک غضب شد. رفت و آمدی شد و آن خلیفه ی اول شاهد خواست. امیرالمؤمنین و غیر ایشان آمدند و شهادت دادند. شهادت ها را رد کرد. دوباره صدیقه ی طاهره به عنوان ارث آمدند و مطالبه کردند، چون معنای رد شهادت این است که مال در ملک پیغمبر اکرم است، اگر در ملک پیغمبر باشد پس یگانه وارث پیغمبر، صدیقه ی طاهره است. دوباره ایشان مراجعه کردند و به عنوان ارث مطالبه کردند. باز در اینجا چون

^۴ ای پسر ابی طالب آیا با من ازدواج میکنی تا تو را از بیل زدن بی نیاز کنم و خزائن زمین را نشانت دهم...

^۵ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۲، ص: ۳۶۶-۳۶۰

^۶ من با دنیا چه کار دارم در حالی که پیامبر به خاک سپرده شده است.

خلیفه‌ی اول تصمیم گرفته بود فدک را مصادره کند، حدیثی را عنوان کرد و از آن طریق فدک را تحویل نداد. البته در نهایت مجاب شد و نوشته‌ای در خصوص ملکیت فدک نوشت و به دست صدیقه‌ی طاهره داد که خلیفه‌ی دوم آن نوشته را گرفت و پاره کرد. حالا صدیقه‌ی طاهره در خصوص ولایت و امامت و خلافت امیرالمومنین چه کردند؟ و آیا غضب فدک ارتباطی به امامت و ولایت دارد؟ داستان فدک را بر اساس منابع دسته اول، به قدر ضرورت، شرح می‌دهم:

بزرگان در طول تاریخ درباره‌ی فدک خیلی کار کرده‌اند و آثاری در دست داریم. برای بنده نامه‌ای چند سال قبل آمد که نوشته بود درباره فدک بحث کنیم نه به عنوان اینکه حضرت زهرا دختر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و معصوم است بلکه به عنوان یک مسلمانی که ادعا بر خلیفه کرده است و خلیفه ادعای او را رد کرده است، با هم بحث کنیم و ببینیم که آیا کار خلیفه درست است یا کار حضرت زهرا سلام الله علیها و این مکاتبه بنده با او یک رساله شد که چاپ و ترجمه شده است. اجمالا قضیه‌ی فدک قضیه است که باید اهمیت بدهیم و بر حسب روایات اولین قضیه‌ای است که اتفاق افتاده است.

فدک را در کتب، از قبیل معجم البلدان و غیر آن نوشته‌اند که:

«...وفدک: قرية بالحجاز بينها وبين المدينة يومان، وقيل ثلاثة... وفيها عين فوارة ونخيل كثيرة، وهي التي قالت فاطمة، رضي الله عنها: إن رسول الله، صلى الله عليه وسلم، نحلنيها...»^۷

بعد می‌گویند «سمیت بذلک...» زیرا اولین کسی که آنجا سکونت اختیار کرده، فدک بن حام بوده است.

در شرح ابن ابی الحدید آمده است که:

«...وكان فيها إحدى عشرة نخلة غرسها رسول الله صلى الله عليه وآله بيده، فكان بنو فاطمة يأخذون ثمرها، فإذا قدم الحجاج أهدوا لهم من ذلك التمر فيصلونهم، فيصير إليهم من ذلك مال جزيل جليل...»^۸

اولاد صدیقه‌ی طاهره از آن نخل‌هایی که پیغمبر اکرم به دست خودشان کاشته بودند خرماهایی را تا موسم حج نگی می‌داشتند. در موسم حج که حجاج می‌آمدند، از این خرماها به حجاج هدیه می‌دادند. در مقابل، حجاج هم مبالغی هدیه به آنها می‌دادند و از این راه اولاد حضرت زهرا اموالی دارا می‌شدند.

از این قضیه دو مطلب استفاده می‌شود: مطلب اول اینکه مسلمین در آن تاریخ مسئله تبرک را معتقد بودند. خرماهایی که از نخلی بود که پیغمبر کاشته‌اند برایشان ارزشمند بود. این وهابی‌ها آمدند و گفتند این تبرک بدعت است و ما در اسلام تبرک نداریم در حالی که مسلمین تبرک را داشته‌اند و تا به امروز هم دارند.

مطلب دوم اینکه در زمانهایی فدک در اختیار اولاد صدیقه طاهره بوده است و بطور اجمال خواهیم خواند که در زمان عمر بن عبد العزیز و مامون، فدک در اختیار اهل بیت بوده است، پس خرماهایی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بدست خودشان کاشته‌اند، آن خرماها در اختیار اهل بیت بوده است و مردم متبرک می‌شده‌اند.

درآمد این باغ بسیار زیاد بوده است. در زمان خلیفه دوم می‌گویند: ۵۰ هزار درهم. در زمان عمر بن عبدالعزیز ۴۰ هزار دینار می‌گویند. (هر دیناری ده برابر یک درهم بوده است.) در سنن ابوداود آمده است که ۴۰ هزار دینار در آمد این باغ بوده است.^۹ از جمله‌ی شواهد کثرت در آمد

۷ معجم البلدان - الحموی - ج ۴ - ص ۲۳۸، دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان

۸ شرح نهج البلاغة - ابن أبي الحديد - ج ۱۶ - ص ۲۱۷، دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه

۹ قال أبو داود: ولي عمر بن عبد العزيز الخلافة وغلته أربعون ألف دينار، وتوفي وغلته أربعمائة دينار... (سنن أبي داود - سليمان بن الأشعث السجستاني - ج ۲ - ص ۲۴)

این باغ این است که وقتی فدک را غصب کردند، بهانه شان این بود که می خواهیم اسلحه بخیریم و در مقابل مرتدین برای دفاع از بلاد اسلام مجهز شویم. این دال بر این است که درآمد فدک کم نبوده است. این ملک، ملک طلق شخص رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است. مطالب را به ترتیب منطقی عرض می کنم؛ اول موضوع را اجمالاً شناختیم که فدک است. این فدک ملک پیغمبر اکرم بوده است به این دلیل که فیء بوده است.

فخر رازی و دیگران نوشته اند که چرا ملک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است:

«...وذلك لأن أهل فدک انجلوا عنه فصارت تلك القرى والأموال في يد الرسول عليه السلام من غير حرب...»^{۱۰}

آنچه که با صلح بین رسول الله و کفار، بدست پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بیفتد، آن ملک پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود که لم یوجف علیه بخیل و لا رکاب. این قرآن است.

در کتاب تاریخ طبری^{۱۱} و منابع دیگر آمده است اهالی فدک که یهودی ها بودند با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مصالحه کردند. (فصالحوا رسول الله علی نصف الارض بتربتها فقبل ذلك منهم فكان نصف فدک خالصا لرسول الله لانه لم یوجف المسلمون علیه بخیل و لا رکاب) در مهمترین شرح صحیح مسلم که شرح نووی است، می گوید:

«...فكانت هذه كلها ملكا لرسول الله (صلى الله عليه وسلم) خاصة لا حق فيها لأحد غيره»^{۱۲}

پس تا اینجا اجمالاً معلوم شد که فدک چه بوده است و اینکه فدک ملک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. از منابع و مستند عرض خواهم کرد که فدک را پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به صدیقه طاهره در ایام حیاتشان دادند، پس به ملک حضرت باقی نمانده بود. از آن طرف فدک ربطی به بیت المال نداشت بلکه ملک شخصی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود که ایشان خودشان در ایام حیاتشان به صدیقه طاهره دادند. این مطالب در منابع حدیثی و هم در منابع تفسیری و هم در منابع فقهی و کلامی موجود است. این مطالب را راجع به فدک به نحو اجمال عرض خواهم کرد تا ببینیم این قضیه چه ارتباطی به امامت و ولایت امیرالمومنین علیه الصلاه و السلام پیدا می کند.

۱۰ تفسیر الرازی - فخر الدین الرازی - ج ۲۹ - ص ۲۸۴

۱۱ ... فصالحهم رسول الله صلی الله علیه و سلم علی النصف علی أنا إذا شئنا أن نخرجکم أخرجنکم وصالحه أهل فدک علی مثل ذلك فكانت خیر فیاً للمسلمین وکانت فدک خالصه لرسول

الله صلی الله علیه و سلم لانهم لم یجلبوا علیها بخیل ولا رکاب... (تاریخ الطبری - محمد بن جریر الطبری - ج ۲ - ص ۳۰۲ - ۳۰۳)

۱۲ شرح صحیح مسلم - النووی - ج ۱۲ - ص ۸۲